



Revolution Studies

The Processual Theory of the Islamic Revolution From the Perspective of the Thought of Mohammad Javad Bahonar

Gholamreza Jamshidiha¹

Doi: 10.22034/FADEMO.2023.389372.1001

Seyyed Mohammad Javad Ghorbi²

Abstract

According to the theoretical foundations and religious teachings, Muslim thinkers have a different view about the revolution. The thinkers of the Islamic revolution paid attention to the concept and stages of revolution, and each of them mentioned different stages for the evolution of revolution, and these process patterns show the importance of the theory of the evolution of the Islamic revolution. Mohammad Javad Bahonar is one of the thinkers who has paid attention to the processes of the Islamic revolution in five stages in his works. Using analytical-descriptive method, this article aims to answer this main question: What is the meaning of the concept of revolution in the thought of Mohammad Javad Bahonar and what are the main stages in of the evolution of Islamic revolution? The main hypothesis of the article is that, from Bahonar's point of view, the Islamic revolution is not merely a change in the existing political order, but rather a process for the evolution of the ideals of the revolution in various fields. The findings of the article show that, from Bahonar's point of view, the Islamic revolution needs to provide the foundations for the cultural revolution, internal organization and the exporting the revolution after the spiritual transformation in the society and the creation of the political revolution.

Keywords: Mohammad Javad Bahonar, The Theory of the Evolution of the Islamic Revolution, Cultural Revolution, exporting the Revolution, Bringing up New Global Values, Spiritual Transformation, Political Revolution, Domestic Construction

-
1. Professor of Islamic Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Iran
 2. Master's degree in Islamic political thought, researcher of the history of the revolution and the political thought of Muslim thinkers, Tehran, Iran

Received: 2023/ 03/ 13

Approvd: 2023/ 05/ 30

نظریه فرایندی انقلاب اسلامی از منظر اندیشه محمدجواد باهنر

غلامرضا جمشیدیها^۱

Doi: 10.22034/FADEMO.2023.389372.1001

سید محمدجواد قربی^۲

چکیده: اندیشمندان مسلمان با توجه به مبانی نظری و آموزه‌های دینی، دیدگاه متمایزی نسبت به مقوله انقلاب دارند. متفکران انقلاب اسلامی نسبت به مسئله مفهوم و مراحل انقلاب توجه داشته و هر کدام برای تکامل انقلاب، مراحل مختلفی را ذکر کردند که این الگوهای فرایندی، اهمیت نظریه سیر تکامل انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد. محمدجواد باهنر یکی از متفکرانی است که در آثار خود، فرایندی‌های انقلاب اسلامی را در پنج مرحله مورد توجه قرار داده است. مقاله حاضر از نوع کیفی و اکتشافی است که با بهره‌گیری از روش اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای متصرد تحلیل و توصیف این سؤال اصلی است: مفهوم انقلاب در اندیشه باهنر دارای چه بار معنایی است و فرایند تکامل انقلاب اسلامی شامل چه مواردی بود؟ مفروض مقاله به این قرار است که از دیدگاه باهنر، انقلاب اسلامی صرفاً تغییر در نظام سیاسی موجود نیست بلکه فرایندی برای تکامل آرمان‌های انقلاب در حوزه‌های مختلف است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد از منظر باهنر، انقلاب اسلامی برای تکامل خود نیاز دارد مراحل پنج گانه را به صورت مستمر و آگاهانه طی نماید. نظریه تکامل انقلابی باهنر اشاره به این مسئله دارد که دگرگونی در نظام سیاسی

۱. استاد گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
gjamshidi@ut.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام، پژوهشگر تاریخ انقلاب و اندیشه متفکران مسلمان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
ghorbi68@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۹

دوفصلنامه انقلاب پژوهی / سال اول / شماره ۱ / بهار و تابستان ۱۴۰۲

مستقر و جایگزینی نظام برآمده از اصول و آرمان‌های دینی به وسیله افراد جامعه به معنای انقلاب است که محدود به عرصه نظم سیاسی نخواهد بود بلکه لازم است در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نهادی شاهد انقلاب باشیم. پدیده‌های انقلاب اسلامی بعد از تحول روحی در جامعه و ایجاد انقلاب سیاسی باید بسترهاي انقلاب فرهنگی و سازمان‌دهی داخلی را فراهم آورد و درنهایت صدور ارزش‌های نوین را فراهم سازد.

کلیدواژه‌ها: محمدجواد باهنر، نظریه تکامل انقلاب اسلامی، انقلاب سیاسی، انقلاب فرهنگی، صدور انقلاب، تحول روحی، سازندگی داخلی.

مقدمه و بیان مسئله

انقلاب یکی از مسائل مهم در مطالعات اجتماعی و سیاسی است و هر یک از مکاتب و نظریه‌های مختلف، به یکی از ابعاد انقلاب توجه دارند. مبادی فرانظری و مفروضات هر مکتب و اندیشه‌ای منجر شده است با طیف متنوعی از مفاهیم و چارچوب‌های نظری پیرامون انقلاب در مراکز علمی و دانشگاهی روپرتو باشیم. به تعبیری دیگر، به تعداد پژوهشگران مطالعات سیاسی و اجتماعی، دیدگاه متفاوت نسبت به مفهوم و نظریه انقلاب وجود خواهد داشت و آنچه حائز اهمیت است، تبیین مفهوم انقلاب بر اساس مقتضیات فرهنگی و ارزش‌های ملی در هر نظام و بستر تاریخی‌ای است. از آنجایی که مقوله انقلاب در اندیشه اسلامی مورد توجه مفسران و متفکران مسلمان بوده است، لازم است تا برداشت بومی از انقلاب ارائه شود تا این امکان فراهم شود با کاربست مفهوم بومی، به بررسی و تحلیل پدیده‌های رایج ناظر به انقلاب و روندهای تکامل انقلاب در جهان اسلام پرداخت.

۵۷

متفکران انقلاب اسلامی ایران، هر کدام به ابعاد مختلف انقلاب توجه داشته‌اند و همین مسئله عاملی خواهد بود تا با تحلیل محتوای موضع فکری و آثار تألفی آنها، نگرشی اصیل از مقوله انقلاب ارائه کرد. یکی از متفکران بر جسته انقلاب اسلامی که دارای نقش‌های مختلف نظری و اجرایی در انقلاب اسلامی بوده است، محمدجواد باهنر است که نسبت به مقوله انقلاب دارای موضع عمیق و بدیعی است. همان‌طور که متفکران و نظریه‌پردازان انقلاب‌های رایج جهان، خواهان ارائه الگوی فرایندی انقلاب هستند و برخی اندیشمندان در شرق و غرب تلاش وافری برای ارائه نظریه فرایندهای انقلاب در جوامع مختلف بوده‌اند، پایش دیدگاه و افکار باهنر نشان می‌دهد که دارای یک ایده پنج مرحله‌ای برای تبیین انقلاب در جوامع دینی است.

.....

در میان اندیشمندان اسلامی، تبیین فرایند انقلاب^۱ را می‌توان در نظریه دوری فرازوفروز تمدنی ابن خلدون، تحول معنوی امام خمینی و موسی صدر، انقلاب اجتماعی و سیاسی مرتضی مطهری، فرایند پنج گانه تکامل انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای، مراحل پنج گانه نهضت اسلامی بهشتی، انقلاب تکاملی اسلام جلال الدین فارسی و سایر متفکران اسلامی مشاهده کرد و هر اندیشمند، نگرش متفاوتی به مقوله فرایند انقلاب در نظام اسلامی داشته است.

از آنجایی که تاکنون اثر علمی منسجمی در زمینه دیدگاه و نگرش باهنر نسبت به مقوله انقلاب و مراحل فرایندی آن منتشر نشده است، این مقاله تلاش دارد با بهره‌گیری از روش تحلیلی- توصیفی به این سؤال پاسخ دهد که مفهوم انقلاب در اندیشه محمدجواد باهنر دارای چه بار معنایی است و فرایند تکامل انقلاب اسلامی شامل چه مواردی خواهد بود؟ با توجه به مسئله اصلی مقاله، اهداف اصلی که نگارندگان پیگیر آن هستند، عبارت است از: تبیین مفهوم انقلاب در اندیشه باهنر و ارائه الگوی فرایندی انقلاب بر اساس مکتبات ایشان. مفروض مقاله به این قرار است که انقلاب در اندیشه باهنر یک مسئله دینی است و تکامل انقلاب نیازمند پیمودن مسیرهای مختلفی است که صرفاً سیاسی نیست بلکه دارای ابعاد معنوی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هم هست.

۱. پیشینه پژوهش

بررسی ادبیات پژوهش و پیشینه مطالعات انجام شده در حوزه اندیشه و افکار باهنر نشان می‌دهد صرفاً یک مقاله با عنوان «انقلاب و انقلاب اسلامی از دیدگاه محمدجواد باهنر» (۱۳۸۱) به خامه علیرضا زمزم منتشر شده است. در این مقاله ضمن بررسی رویکردهای مختلف نظری نسبت به مقوله انقلاب، تلاش کرده است تا علل وقوع انقلاب، دستاوردهای انقلاب اسلامی و آسیب‌های پیش‌روی آن را از منظر باهنر مورد بررسی قرار دهد. این مقاله به صورت مختصر به مسئله مفهوم انقلاب از دیدگاه ایشان پرداخته و هیچ اشاره‌ای به مسئله فرایندی بودن انقلاب در نظریه باهنر نشده است. در کتاب فرایند تکاملی انقلاب: تبیین مراحل پنج گانه سیر تکامل انقلاب اسلامی (۱۴۰۲) به بررسی نظریه‌های فرایندی انقلاب پرداخته شده است و در فصل دوم، یکی از مباحث مورد بررسی در این بخش، «نظریه انقلاب فرهنگی در اندیشه باهنر» است که در چند صفحه مختصر به روند تحقق انقلاب اسلامی از دیدگاه ایشان اشاره شده است. با توجه به فقدان آثار پژوهشی در زمینه فرایند انقلاب اسلامی، منبع اصلی پژوهش حاضر نیز مجموعه آثار باهنر با تأکید بر کتاب مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی است.

۵۸

1. Explanation of the revolution process

۲. مبانی نظری و مفهومی

۱-۲. مفهوم انقلاب

در علوم سیاسی، انقلاب از منشأ آشوب است و مرحله‌ای از تکامل تاریخی ملت‌ها محسوب می‌شود که تغییراتی سریع و ریشه‌ای (اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) در جامعه ایجاد می‌کند (Coccia, 2019, p.1) بنابراین «براندازی» و «جایگزین سازی حکومت» برای تبیین مفهوم انقلاب در ادبیات سیاسی غربی مورد استفاده قرار می‌گیرد (هیوود، ۱۳۸۴، ص. ۵۴۵). انقلاب پدیده‌ای انسانی است که با نوعی خشونت همراه است (Tanter & Midlarsky, 1967, p. 264) و به عنوان یک اصطلاح برای تحلیل گر سیاسی غربی، به طور کلی به تغییرات سیاسی خشونت‌آمیز مانند سرنگونی قدرتمند یک‌شکل منظم از دولت اشاره دارد که روش‌های مختلفی دارد؛ به عبارتی، شیوه‌های عمل در انقلاب متفاوت است (Chengte, 2016, p. 34).

برخی تأکید دارند انقلاب نوعی تقاضای تغییر است که ناشی از اختلافات در جامعه، نارضایتی در ارتش، پیچیدگی‌های بین‌المللی یا بحران‌های داخلی است (Gottschalk, 1944, p.1)؛ بنابراین انقلاب را باید نوعی تغییر حاکمیت و دگرگونی در نظام اجتماعی به حساب آورد (Yoder, 1926, p.433). این رویکرد دارای دو بخش است: ۱. پایان عمر نظام سیاسی پیشین؛ ۲. حرکت عمومی برای جایگزینی نظامی جدید (شجاعیان، ۱۳۸۲، ص. ۲۶-۲۵). انقلاب به مثابه یکی از عوامل تغییر اساسی در نهادها و فعالیت‌های اجرایی، در برگیرنده تغییرات ساختاری در روابط حکومت و جامعه است (عیوضی، ۱۳۹۴، صص. ۱۲-۱۱).

در ادبیات غربی انقلاب دو کاربرد اساسی دارد: کاربرد کلاسیک و کاربرد مدرن. استفاده کلاسیک از انقلاب شامل اشکال دیگر خشونت سیاسی مانند شورش است (Yenicirak, 2021, p.329). به عبارتی، وقتی مفهوم انقلاب به عنوان کاربرد کلاسیک و مدرن محدود می‌شود، تفاوت بین انقلاب و سایر اشکال خشونت سیاسی مانند شورش و کودتا آشکارتر می‌شود. هدف همه اشکال خشونت سیاسی اساساً جابجایی اجتماعی است. از این نظر، همه اشکال خشونت سیاسی مشابه هستند. با وجود این، انقلاب با کاربرد مدرن خود چیزی بسیار متفاوت از کودتا و شورش است. با این حال، انقلاب با کاربرد مدرن به نظام اجتماعی موجود، ارزش‌ها، عادات و سنت‌های آن حمله می‌کند (Yenicirak, 2021, p.339).

گلدستون^۱ تأکید دارد انقلاب هنگامی آغاز می‌شود که حکومتی که سابقاً تحت کنترل یک

1. Jack Goldstone

..... غلامرضا جمشیدیها و سید محمدجواد قربی: نظریه فرایندی انقلاب اسلامی از منظر اندیشه.....

جامعه سیاسی حاکم قرار داشت، هدف ادعاهای مؤثر، رقیب و نفی کننده یکدیگر از سوی دو یا چند جامعه سیاسی مجزا قرار گیرد (گلدنستون، ۱۳۸۵، ص. ۸۱). بر اساس مطالعات تیلور^۱ انقلاب را باید یک مبارزه سازمان یافته علیه استبداد دانست (Taylor, 1987, p. 22). از دیدگاه هانتینگتون^۲ انقلاب در اساس نظامهای سیاسی حاکم با خشونت به وقوع می‌پوندد. شکاف بین توقعات فزاینده و فقدان نوسازی مطلوب در سامان سیاسی عامل شکل‌گیری انقلاب خواهد بود.

(هانتینگتون، ۱۳۷۵، ص. ۳۸۵)

برای کارل مارکس^۳، انقلاب پیش از هر چیز یک ضرورت اجتماعی- اقتصادی است که ناشی از قطبی شدن ماهیت و شکل جامعه مدنی، نیروهای مولد و روابط اجتماعی است. تغییر کمی این نیروها تغییر کیفی آن روابط را ایجاب و عملی می‌سازد و این یک انقلاب حقیقی در شکل جامعه مدنی است. این فرایافت انقلاب ماهیتاً هگلی است. ضرورت انقلاب‌های سیاسی نتیجه‌ای از این انقلاب اجتماعی است. این در حالی است که سیمون^۴ تأکید دارد انقلاب ذاتاً سیاسی است و در آن یک طبقه، طبقه دیگری را از حکومت سرنگون می‌سازد و خود جانشین آن می‌شود (مطهری، ۱۳۷۸، ج. ۱۲، ص. ۲۴۶).

در برداشتی کلی، انقلاب‌ها در ادبیات غربی ناشی از بی‌ثباتی عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی، قومیتی، مردم‌شناختی و مذهبی در جامعه هستند (Coccia, 2019, p. 6). با توجه به این منطق، در مطالعات انجام شده در زمینه علل انقلاب در جوامع مختلف می‌توان به ویژگی‌های مشترک در موقعیت‌های قبل از انقلاب دست پیدا کرد که از جمله آنها می‌توان به فساد، سوءاستفاده از قدرت، بی‌مسئولیتی و اسراف منابع ملی اشاره کرد. البته ممکن است نظامهای سیاسی‌ای وجود داشته باشند که مایحتاج زندگی مردم را تأمین می‌کردن؛ ولی در عوض به سرکوب شهروندان می‌پرداختند. در این شرایط اگر یک گروه اپوزیسیون به خوبی بتواند با سازمان‌دهی مناسب و نمایندگی به‌وسیله روشنفکران، مجهز به نظریه‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی باشد، حتماً نآرامی‌های اجتماعی را به سمت تغییر نظام سیاسی و انقلاب سوق می‌دهند (Gebil, 1990, p.3).

دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی در غرب، دو نوع کلی انقلاب را متمایز می‌کنند:

1. Stan Taylor

2. Samuel P. Huntington

3. Karl Marx

4. Saint-Simon

انقلاب «نخبگان» از بالا و انقلاب «از پایین». یک تصویر بر جسته از دومی، انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ است. انقلاب بریتانیا در ۱۶۸۸-۱۶۸۹ را می‌توان به عنوان انقلاب نخبگان طبقه‌بندی کرد. گلدنستون [۲۰۰۹] با تکیه بر شواهد تجربی گسترده در مورد انقلاب‌های گذشته و حال، تمايزی را بین انقلاب‌های «رنگی» و «رادیکال» پیشنهاد می‌کند که گونه‌شناسی قبلی انقلاب‌ها را به عنوان «نخبگان» و «توده‌ای» پوشش می‌دهد (Vahabi & et.al, 2020, p.857).

در ادبیات دینی، انقلاب از منظر لغوی به معانی برگشت، منقلب شدن و دگرگونی است. در بعد سیاسی، انقلاب اشاره به سرنگون کردن ظلم و اقدام جمعی برای نابودی نظام جائز دارد (قربی، ۱۴۰۱، صص. ۲۵-۲۶). ادله مشروعيت انقلاب از منظر متفکران مسلمان شامل «اطاعات نکردن از حاکم ستمگر بر اساس قرآن و روایات» و «جوز انقلاب و خروج مردم علیه حاکم ستمگر» است (حاتمی، ۱۳۸۹، صص. ۱۹۰-۱۹۸) و برای ایجاد حکومت عادلانه انجام می‌گيرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص. ۵۰۳).

مطهری باور دارد انقلاب در قامت یک پدیده سیاسی، به معنای «تغيرات بنیادی» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۴، ص. ۱۱۳) است. در مسیر شکل‌گیری انقلاب، خشونت و خون‌ریزی وجود خواهد داشت؛ اما برای تحقق انقلاب دینی، لازم است این ناملایمات تحمل شود (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص. ۵) به تعبیر مطهری: «انقلاب عبارت است از طغیان و عصیانی که مردمی علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظمی مطلوب انجام می‌دهند» (مطهری، ۱۳۸۷، ص. ۵۹). مطهری در بررسی نظریه مارکس در مورد انقلاب اشاره می‌کند آنها اعتقاد دارند: «انقلاب نیز فقط می‌تواند از یک جنبش قهرآمیز و یک جنبش توده‌ای ناشی شود» (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص. ۳۱۹) این در حالی است که مطهری بر انقلاب اسلامی تأکید دارد و منظور وی از دینی بودن جریان انقلاب این است که یک حرکت آگاهانه و انتخابی است که ایمان عامل محرک و پشتیبان آن است (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص. ۳۱۹).

قیام علیه استبداد و تأمین حقوق انسانی در جوامع، ملازم برپایی نظام سیاسی و اجتماع عدالت محور خواهد بود (فرقانی، ۱۳۸۳، صص. ۸۷-۸۸). در این زمینه، سید محمد باقر صدر اعتقاد دارد انقلاب به عنوان پدیده اجتماعی از منظر قرآن به معنای «احقاق حق» است (صدر، ۱۳۷۹، صص. ۲۶۲-۲۶۳). بر این اساس، از دیدگاه صدر ویژگی‌های یک نهضت انقلابی عبارت است از: حرکتی آگاهانه؛ مقابله با وضع موجود؛ حرکتی سرسختانه و کوینده؛ متصرف دگرگونی عمیق و تحول بنیادین؛ ایجاد کتنده دگرگونی و تحول برای ایجاد یک زندگی نوین؛ حرکت بر مبنای مکتب و ایدئولوژی و کنار گذاشتن معیارها و اصول گذشته. لاجرم، انقلاب عبارت از نهضتی

۲- نظریه تکوین و تکامل انقلاب

فرایند تکامل جوامع نشان می‌دهد هر جامعه‌ای یک سیر صعودی و یک سیر نزولی دارد و درنهایت به انحطاط آن جامعه منتهی می‌شود تا از نو حرکت جدیدی در جامعه پدید بیاید (مصطفی‌یزدی، ۱۳۸۴، صص. ۴-۹). یکی از رایج‌ترین و مشهورترین نظریات مراحل تکوینی انقلاب‌ها مربوط به اثر پژوهشی کالبدشکافی چهار انقلاب کریم بریتون است که به «نظریه چرخشی انقلاب» معروف است (بریتون، ۱۳۶۶). او پس از بررسی و مقایسه تحولات مهم انقلاب‌های فرانسه، روسیه، امریکا و انگلستان، نظریه مذبور را تبیین می‌کند و تأکید دارد انقلاب‌ها در سیر تحولات خود سه مرحله را پشت سر خواهند گذاشت: سرنگونی رژیم حاکم، جایگزینی نیروهای رادیکال به جای حکومت میانه‌روها و مرحله ترمیدور^۱ (ابوالی، ۱۳۸۶، صص. ۲۶-۲۷).

از بین متفکران اسلامی، ابن خلدون دیدگاه مهمی در باب فرازوفروض دولت و تمدن‌ها ارائه کرده (ابن خلدون، ۱۳۶۶) و مراحل دولت‌ها را نیز شرح می‌دهد. این مراحل به این شرح است: مرحله پیدایش و ظفر؛ مرحله انحصار قدرت؛ مرحله تجمل و فراغت؛ مرحله خرسندی و مرحله اسراف و اضمحلال (رفع و عباس‌زاده، ۱۳۹۴، صص. ۱۸۱-۱۸۳). از منظر برخی پژوهشگران، روند تکامل انقلاب را می‌توان به دو دوره زمان‌بندی و تقسیم کرد: ۱. قبل از پیروزی (دوره انقلاب آفرینی)؛ ۲. پس از پیروزی (دوره استمرار انقلاب) (اسلامی، ۱۳۶۹، ص. ۸).

در نظریات دیگری، این مراحل، سه مرحله‌ای است: ۱. پیدایش؛ ۲. تغییرات؛ ۳. تکامل

1. Thermidor

(کتابی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۱). طرفداران این طرح معتقدند انقلاب اسلامی را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد: ایجاد انقلاب اسلامی، استقرار انقلاب اسلامی و توسعه انقلاب اسلامی (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۲، ص. ۶) در راستای تبیین مراحل سه‌گانه انقلاب اسلامی، برخی از محققین اعتقاد دارند که انقلاب‌ها سه مرحله تکوین، تخریب و سازندگی دارند که هر کدام از این مراحل دارای خصلت‌ها و ویژگی‌های خاص خود هستند (بهرامی، ۱۳۸۵، صص. ۲۰-۲۳).

یکی از ایده‌های نظریه سه وجهی مراحل انقلاب اسلامی از تکوین تا سازندگی، عدم توجه به قدرت و توانایی انقلاب در عرصه بین‌المللی و قابلیت تمدن‌سازی انقلاب‌هاست. برای ترمیم این رویکرد، برخی نظریه‌پردازان انقلاب تلاش کرده‌اند فرایند انقلاب اسلامی را در چهار مرحله طراحی نمایند که این مراحل به شرح زیر هستند؛ انقلاب سیاسی، انقلاب فرهنگی، انقلاب اقتصادی و شکل‌گیری امت اسلامی (مشکانی سبزواری، پ، ۱۳۹۲، صص. ۵۲-۵۳).

بهشتی در کتاب سه‌گونه اسلام مراحل لازم برای شکل‌گیری انقلاب و نهضت اسلامی را ترسیم می‌کند و تأکید دارد پنج مرحله منظم، متوالی و پیوسته برای تکامل نهضت اسلامی لازم است و این مراحل شامل «پیدایش ایده جدید و عرضه آن به جامعه»، «شکل‌گیری هسته اولیه طرفداران»، «تحقیق بخشیدن به ایده جدید»، «استقرار و قدرت‌یابی نهضت» و «گسترش ایدئولوژی» خواهد بود (بهشتی، ۱۳۸۹، صص. ۹۱-۷۱).

یکی از رویکردهای سیر تکامل انقلاب، الگوی پنج مرحله‌ای تکامل انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای است (مهاجرنا ۱۴۰۱؛ عبدالاحدی مقدم، ۱۳۹۱، ج. ۲). در بخشی از بیانات ایشان آمده است:

یک زنجیره منطقی وجود دارد: حلقة اول، انقلاب اسلامی است، تشکیل نظام اسلامی است، تشکیل دولت اسلامی است، تشکیل جامعه اسلامی است، تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره مستمری است که به هم مرتبط است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

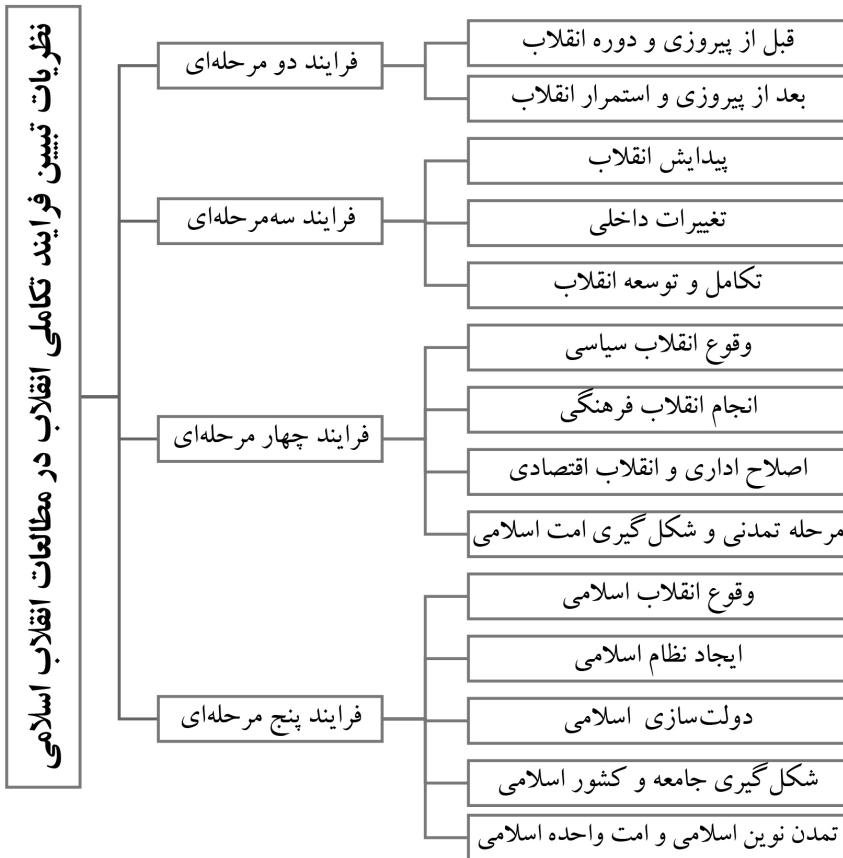
شکل شماره ۱. مراحل تکامل پنج گانه انقلاب اسلامی (یافته‌های نگارنده‌گان)



رویکرد پنج مرحله‌ای بر شاخص تمدن سازی به عنوان غایت انقلاب اسلامی تأکید دارد و نشان‌دهنده این مسئله است که محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت مداوم و حکومت مردمی از شاخصه‌های اختصاصی تمدن نوین اسلامی است (اکبری و رضایی، ۱۳۹۴، ص. ۸۵). تمدن نوین اسلامی بر بنای پیشان‌های تربیتی و فرهنگی، بر هم‌افزایی توان داخلی و اصلاح و بهبود حوزه‌های سیاست‌ورزی و فرهنگ مردم جامعه استوار است (نرمانی و همکارانی، ۱۴۰۰، ص. ۵۷).

در رویکرد تکامل پنج مرحله‌ای انقلاب اسلامی، مراحل در سه دوره «ابتدايی»، «ميانی» و «نهائي» قابل بررسی هستند. ایجاد انقلاب اسلامی مرحله ابتدايی انقلاب است که در تمامی نظریات فرایندی انقلاب قبل رؤیت است. در مرحله ميانی نيز سه گام ایجاد نظام اسلامی، ایجاد دولت اسلامی و شکل گيري کشور اسلامی وجود دارد و در مرحله نهايی، ایجاد امت اسلامی - تمدن اسلامی مورد توجه است (مشکاني سبزواری، ب، ۱۳۹۲، ص. ۵۳).

شکل شماره ۲. نظریات تبیین فرایند تکاملی انقلاب اسلامی (یافته‌های نگارنده‌گان)



۶۵

۳. روش پژوهش

مقاله حاضر در حوزه پژوهش استنادی قرار دارد و از نوع مطالعات کیفی و اکتشافی است. برای تبیین دیدگاه باهنر در زمینه نظریه فرایندی انقلاب از مطالعات کتابخانه‌ای و فیش‌برداری متن بهره گرفته شده تا تحلیل و توصیف روند انقلاب اسلامی از دیدگاه وی انجام شود. تحلیل متون باهنر با چند ویژگی نظاممندی، ارتباط بخش‌های معنایی با موضوع و آشکار بودن ماهیت متن همراه است. منبع تحلیل در مقاله حاضر، متن مجموعه آثار باهنر (۹ جلدی) است و مقوله تحلیل، دسته‌بندی فرایند انقلاب با توجه به روندهای ترسیم شده برای سیر منطقی انقلاب است.

۴. تحلیل یافته‌ها؛ انقلاب و روند تکاملی انقلاب اسلامی در اندیشه باهنر

۴-۱. انقلاب

باهنر تأکید دارد نظریه مذهب، توانایی تبیین و تحلیل انقلاب اسلامی را دارد. از دیدگاه وی، اصل و ریشه انقلاب در مکتب و ایدئولوژی اسلام است و ریشه آن، حرکت بزرگ اسلام و پیدایش طلوع این مکتب در تاریخ بشر است. او از اندیشه و نقش روشنگری‌های اسلامی، رهبری، استبداد و ظلم طبقه حاکم و وحدت مردم علیه رژیم سیاسی مستقر در شکل‌گیری انقلاب صحبت به میان می‌آورد (زمزم، ۱۳۹۱، ص. ۶) وی تأکید دارد انقلاب‌ها را می‌توان از دو جنبه کمی و کیفی مورد بررسی قرار داد. جنبه کمی انقلاب، مشارکت و حضور مردم در صحنه است و جنبه کیفی انقلاب، ناظر بر مسئله هویت انقلاب است؛ یعنی هویت انقلاب اسلامی، تبلور روح اسلامی در حرکت جمعی ملت است (باهنر، ۱۳۸۷، صص. ۵۰-۴۹).

در کتاب مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی به دو مرحله کلیدی در انقلاب اشاره می‌شود: ۱. مرحله شکست نظام سیاسی ظالم و استبدادی؛ ۲. مرحله سازندگی. او معتقد است: «در مرحله اول بت را شکستیم و خانه ظلم و استبداد را ویران کردیم؛ اما در مرحله سازندگی، انقلاب بسیار پیچیده‌تر و حساس‌تر و خطرناک‌تر است و نیروی خیلی بیشتر لازم دارد» (باهنر، ۱۳۷۸، صص. ۲۴۱-۲۴۰).

در بحث مفهوم‌شناسی انقلاب، باهنر با تأثیر از مشرب فکری اسلام به تعریف، این پدیده می‌پردازد و از انقلاب با عنوان «سازندگی درونی» یاد می‌کند. بر اساس این تعریف، در انقلاب شرط لازم و ضروری تغییر و تحول درونی است و تغییر در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، شرط کافی برای انقلاب است. باهنر در بحث نظریه‌ها و چرایی انقلاب، ضمن پذیرش تئوری مذهب، با روش‌گرایی خاص خود از زاویه سه عنصر مکتب، رهبری و مردم به عنوان «وضع انقلاب اسلامی پاسخ می‌دهد که البته در کنار نظریه مذهب، از نظریه سیاست نیز سخن می‌گوید و علاوه بر این، تأثیر نهضت عاشورا و دیگر تحولات تاریخ ایران بر انقلاب اسلامی را نادیده نمی‌گیرد. وی با توجه به تجربه عملی که در جمهوری اسلامی داشتند، موضوع آرمان‌ها، دستاوردها و آسیب‌های انقلاب را مورد توجه قرار داده و مهم‌ترین راهکار حفظ و بقای انقلاب اسلامی را که در چارچوب نظام سیاسی جمهوری اسلامی متبلور شده است، در صیانت از هویت مکتبی انقلاب و توجه به بعد جمهوریت نظام می‌داند» (زمزم، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۶).

نکته راهبردی در اندیشه باهنر، تأکید بر ابعاد ملی و بین‌المللی انقلاب در عرصه سازندگی است و صرفاً به بخش استحکام انقلاب در داخل مرزهای سرزمینی توجه ندارد بلکه سازندگی

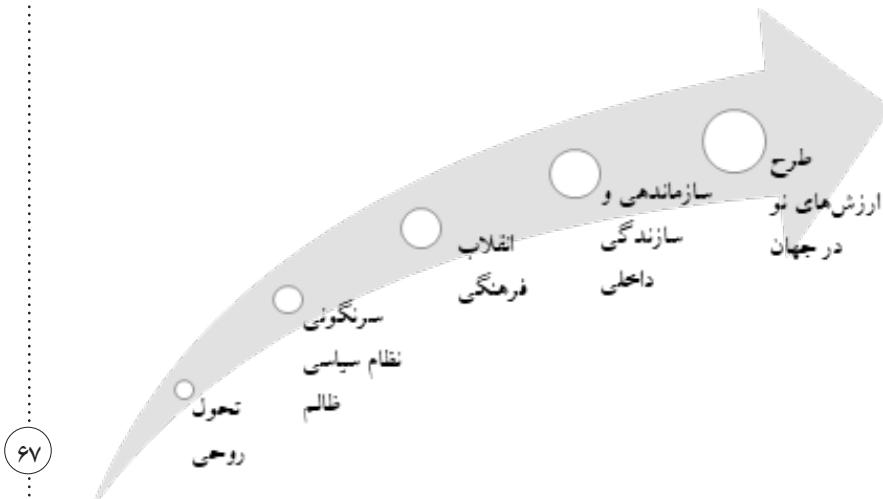
۶۶

را در وجه خارجی آن هم مورد تأکید قرار می‌دهد. از این‌رو، در مرحله سازندگی باید انقلاب را نشر داد و از دستاوردهای انقلاب در عرصه جهانی پاسداری کرد و ارزش‌های انقلابی را در سراسر بستر امت اسلامی گسترانید (باهنر، الف، ۱۳۸۷، ص. ۶۶).

۴-۲. فرایند انقلاب اسلامی

این بخش مترصد پاسخگویی به این سؤال است که فرایند انقلاب اسلامی شامل چه مراحلی است؟ بررسی آثار باهنر نشان می‌دهد که سیر تکامل انقلابی (ر.ک.به: باهنر، الف، ۱۳۸۷، صص. ۲۷۵-۳۰) برای جوامع دینی امری لازم است و مراحل آن به قرار زیر است:

شكل شماره ۳. مراحل تکامل انقلاب اسلامی از منظر باهنر (یافته‌های نگارندگان)



۴-۲-۱. تحول روحی

انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است که در ارتباط با یکدیگر قرار دارند و در عرصه روابط بین خالق و مخلوق، حرکت تکاملی انسان به سوی خدا حائز اهمیت است و به اعتقاد باهنر، این حرکت و تحول در جنبه‌های معنوی پایان‌ناپذیر است (باهنر، ب، ۱۳۸۷، صص. ۲۵-۱۹). وقتی تحول روحی در جامعه به وجود آمد، احیای نهضت‌های الهی فراهم می‌شود. پیامبران و نهضت اسلامی آنها برای مبارزه با طاغوت و اشراف بوده است و عصارة دعوت انبیا از دیدگاه باهنر دو چیز بوده است: مبارزه با طاغوت و مقاومت در برابر آنها. «هدف از فرستادن انبیا این بوده است که

افراد ضعیف، بتوانند بالا بیانند و همچنان توسری خور و ضعیف در برابر مستبدان نمانند» (باهنر، ۱۳۸۷، ج ۹۸-۹۹). همین مسئله بوده است که ترویج مکتب اسلام در موضع، بیانات و سیره ایشان مورد تأکید فراوان قرار گرفته است و می‌توان اذعان داشت، توسعه مکتب و ارزش‌های اسلامی یکی از ملزومات تعالی جامعه است (بدرخانی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶) و این مهم نیازمند تحول روحی در جامعه است. به اعتقاد باهنر، این تحول نیازمند خودآگاهی، هدایت‌گری و حسابگری است؛ زیرا خودسازی منجر به تعديل جاذبه‌های غیردینی در افراد می‌شود (زنده، ۱۳۹۰، ص ۱۷-۱۹).

به اعتقاد باهنر، گسترش نهضت حسینی در جوامع منجر به وقوع تحولات روحی و معنوی عمده‌ایی بوده است و به اعتقاد ایشان، حادثه کربلا یک پدیده انقلابی است که به عنوان عالی‌ترین و چشم‌گیرترین فراز تاریخی اسلام مطرح است که در درون تاریخ به پیش رفته است. این رویداد تاریخی نیز الهام‌بخش مبارزه علیه ظلم و بیداد‌گری، ایجادگری در برابر حکومت باطل و تسلط اشراف بوده است (باهنر، ۱۳۸۷، ص ۴۵)؛ بنابراین باهنر تأکید دارد یکی از سنت‌های بزرگ تاریخ اسلام و سنت الهی این است که حرکت تاریخ و درگیری‌های حق و باطل به جایی بررسد که حکومت حق واحد جهانی ایجاد شود و تمام طاغوت‌ها و استکبار نیز واژگون شوند (باهنر، ۱۳۸۷، ص ۵۵؛ قربی، ۱۴۰۱، ص ۷۹).

با توجه به توضیحات بالا، تحول روحی اولین قدم برای شکل‌گیری انقلاب اسلامی است و تحول درونی در شرایط ناسامان اجتماعی و سیاسی، یک سنت الهی و دینی است. در اولین مرحله فرایند انقلاب، تریت جامعه به وسیله رهبران دینی امری لازم است و تاریخ نهضت انبیا نشان می‌دهد که مأموریت آنها، آگاه‌سازی مردم و ایجاد تحول در باطن آنها برای استقرار نظامی عادلانه، انسانی و اسلامی بوده است و از آنجایی که انقلاب اسلامی در اندیشه باهنر مبنی بر مبارزه با نظام سیاسی طاغوت و مقاومت در برابر بی‌عدالتی و ستم است، این مهم نیازمند دگرگونی در روحیه جمعی است و این تحول معنوی لازمه گام نهادن در مسیر اصلاح و ضعیت وجود و جایگزینی نظم جدید خواهد بود.

۴-۲. سرنگونی نظام سیاسی ظالم

باهنر، در کنار مکتب اسلام به عنوان علت اصلی انقلاب اسلامی، از استبداد و دیکتاتوری نیز سخن می‌گوید و از ظلم و جوری که بر مردم قبل از انقلاب وارد می‌شود، به عنوان بستر شرایط قوع انقلاب یاد می‌کند و معتقد است هر چه خفقان، ظلم، شکنجه و کشتار بیشتر شود، رژیم سیاسی به پایان نزدیک‌تر می‌شود (زمزم، ۱۳۸۱، ص ۱۱۹) در کتاب جهان‌بینی اسلامی نیز فقدان

«آزادی» و «عدالت» دو عامل اصلی نارضایتی مردم و شکل‌گیری قیام‌ها و انقلاب در جوامع انسانی است. لاجرم، انقلاب اسلامی مقوله‌ای برای مبارزه با طاغوت و استقرار عدالت اجتماعی برای همگان است. بر اساس اندیشه باهنر: «مهمنترین انگیزه قیام‌ها و انقلابات و مبارزات در جهان، به دست آوردن همین آزادی و عدالت است و در برابر، انگیزه تجاوز کاران و سرکوب کنندگان این حرکت‌ها، ریشه کن کردن عدالت به نفع بهره‌کشی و سودجویی بیشتر خودشان است» (باهنر، اف. ۱۳۶۱، ص. ۵۸) از آنجایی که «حریت» و «آزادی» در اسلام مورد تأکید زیادی است، لازم است انقلاب اسلامی به مسئله دامنه آزادی بر اساس موازین اسلامی توجه داشته باشد (باهنر، اف. ۱۳۶۰، صص ۲۷-۴).

به اعتقاد باهنر، افراد مسلمان در برابر جامعه اسلامی مسئول هستند و خداوند از آنان خواسته است که در بهبود همه جانبه اجتماع بکوشند و خود را نسبت به اوضاع جاری آن بی‌تفاوت نشان ندهند. افراد بهنوبه خود برای اصلاح جامعه و پیشرفت آن مسئولیت دارند (باهنر، چ ۱۳۸۷، ص. ۱۹۱) و اگر در جامعه‌ای ظلم و انحراف وجود داشت، تمام افراد در برابر آن مسئول هستند و همه باید از راههای مناسب برای ریشه کن کردن بی‌عدالتی و ناپاکی بکوشند (قربی، ۱۴۰۱، ص. ۸۰). بعد از تحول روحی در جامعه، بستر برای مقابله با ظلم و فساد فراهم می‌شود و از آنجایی که آموزه‌های دینی بر بپایی عدالت و مبارزه با استبداد تأکید دارند، بستر اجماع برای مبارزه سیاسی با رژیم فاسد فراهم می‌شود و در این مرحله، وظیفه و رسالت مبارزه با فساد و ظلم در جامعه دینی منجر به سرنگونی رژیم سیاسی فاسد و شکل‌گیری انقلاب سیاسی می‌شود.

۴-۳-۲- انقلاب فرهنگی

بن‌ماهی انقلاب اسلامی از دیدگاه باهنر، «فرهنگ» است و همین مسئله باعث می‌شود ساختارها و فرایند تحول انقلابی در جامعه اسلامی را از منظر فرهنگ سیاسی و اقتصادی بنگرد. فرهنگ اسلامی علاوه بر اینکه زیربنای جامعه است، تمامی فعالیت‌ها و اقدامات اقتصادی، سیاسی و نظامی از آن سرچشمه می‌گیرد (باهنر، ۱۳۷۵، ص. ۷) از دیدگاه او، ارزش‌های فرهنگی عاملی در توسعه فردی و اجتماعی هستند و شکل‌گیری یک انقلاب اسلامی در برابر نظام سیاسی فاسد به رشد فکری و اخلاقی نیاز دارد که برآمده از ارزش‌های فرهنگی جدید نسبت به ارزش‌های حاکم هستند (نعمتی‌زرگان، ۱۳۸۴، ص. ۲۸۷).

باهنر تأکید دارد مسلمان واقعی به اختناق فکری تن در نمی‌دهد و گرفتار رکود فکری و فرهنگی نمی‌شود (باهنر، چ ۱۳۸۷، ص. ۴۴). همان‌طور که در کتاب گفتارهای تربیتی اشاره می‌کند، این روند منجر به دوری از پیروی کورکورانه از سنت‌های نیاکان و پیروی از طاغوت

می شود و بصیرت عاملی مهم در پیروی نکردن از هوای نفسانی و متنفذان ظالم است (باهنر، ۱۳۸۷، صص. ۶۵-۷۰).

در یکی از موضع او آمده است: «اگر فرهنگی بخواهد نسل جوان ما را به حرکت و رشد و کمال برساند، باید بر پایه فرهنگ اصیل اسلامی پایه‌ریزی شود» (ترکچی، ۱۳۸۸، ص. ۸۰). به همین دلیل، بر لزوم انقلاب فرهنگی در آموزش و پرورش تأکید زیادی داشتند (باهنر، الف، بی‌تا، صص. ۲۳-۵؛ باهنر، چ، ۱۳۶۱، ج، ۴۰-۳۱). بر اساس موضع ایشان، در روند انقلاب اسلامی لازم است با فرایند غرب‌زدگی نهادهای آموزشی و تربیتی از طریق انقلاب فرهنگی اقدام کرد و این یکی از ملزمات تکامل انقلاب اسلامی است (باهنر، ۱۳۶۱، صص. ۴۷-۴۶)؛ بنابراین انقلاب اسلامی یک روند فرهنگی است که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق فرهنگی برای بخش‌های مختلف جامعه و حکومت است. یکی از بسترها بر نامه‌ریزی بعد از سرنگونی رژیم سیاسی، انقلاب فرهنگی است که باید با درایت انجام گیرد.

در کتاب مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی در زمینه اهمیت روند انقلاب فرهنگی اشاره می‌نماید مرحله انقلاب فرهنگی ناظر بر دگرگونی فرهنگی، تغییر ساختار تعلیم و تربیت، مسئله پیوند تزکیه و تربیت، دوری از جهل، دور شدن از عصر جاهلیت، ایجاد جو و فضایی مبتنی بر فرهنگ اسلامی، دگرگونی بینان‌های فرهنگی حاکم و قرار گرفتن در مسیر فرهنگ اسلامی است (باهنر، الف، ۱۳۸۷، صص. ۱۵۳-۱۵۱).

باهنر در تعریف انقلاب فرهنگی اشاره می‌کند که تغییر در ارزش‌ها، رفتار، اخلاق و خصوصیات فردی و اجتماعی برای گام نهادن در مسیر اهداف ترسیم شده برای جامعه اسلامی را شامل می‌شود و انقلاب اسلامی زمانی توانایی و استطاعت توسعه تمدنی و فرهنگی را دارا خواهد بود که انقلاب فرهنگی به درستی در جامعه تحقق یابد (فریبی، ۱۴۰۱، ص. ۸۰).

در گفتاری از ایشان آمده است که دگرگونی مطلوب انقلاب اسلامی در ساختار سیاسی و اجتماعی نیازمند انقلاب در نظام فرهنگی موجود است. به عبارتی دیگر:

انقلاب فرهنگی یعنی انقلاب در معیارهای ارزشی، در خلق و خواه، در خصلت‌ها و در اخلاقیات، یعنی انقلاب در گرایش‌ها، در تمایلات، در انگیزه‌ها، در جاذبه‌های اجتماعی، در آنچه برای یک جامعه هدف و خطمشی ایجاد می‌کند و در آنچه مجموعه جامعه را به سوی یک آرمان گسیل می‌دهد. اینها دگرگونی‌هایی است که باید در انقلاب فرهنگی به وجود آید (باهنر، الف، ۱۳۸۷، ص. ۹-۲۵).

او در یکی از مصاحبه‌های مطبوعاتی خویش درباره انقلاب فرهنگی بعد از فروپاشی سیاسی و استقرار نظم جدید اشاره می‌نماید:

انقلاب فرهنگی در مفهوم کلی خود به معنی انقلاب ارزش‌ها و اخلاق و روابط اجتماعی و خصلت‌های فردی و اجتماعی است و به نظر ما این انقلاب پیش از انقلاب عملیاتی‌ای که در صحنه‌های درگیری صورت پذیرفت، آغاز شده بود، انقلابی که نسلی نوین با خصلت‌ها و ارزش‌هایی نوین و برآمده از اسلام پدید آورد. درواقع انقلاب فرهنگی پیش از این آغاز شده بود و در حال حاضر راه خود را ادامه می‌دهد، این از مفهوم کلی انقلاب فرهنگی (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۴۰۱)

بنابراین باهنر اعتقاد دارد ابعاد مختلف انقلاب فرهنگی در یک جامعه شامل بخش انقلاب در مسائل آموزشی، انقلاب در معیارهای ارزشی یک جامعه، دگرگونی و انقلاب در نگرش و بینش یک جامعه، در روابط اجتماعی، در قوانین حاکم بر جامعه و حتی روابط سیاسی و اجتماعی یک جامعه می‌شود. به تعبیر دیگر، ابعاد فلسفی، فکری، اخلاقی، حقوقی، تربیتی و حتی معیارها و زیربنای روابط اقتصادی و سیاسی را دربر می‌گیرد و همه اینها را ابعادی از انقلاب فرهنگی می‌داند (تهوری، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۴). او در مصائبها و مواضع خود تأکید داشت هدف اصلی انقلاب فرهنگی نیز رشد فکری و علمی جهت دستیابی به رفاه، استقلال، تعمیق فرهنگ اسلامی و معنوی است (نیکروش رستمی، ۱۴۰۰، ص. ۱۱۱).

۴-۲-۴. سازمان‌دهی و سازندگی داخلی

بعد از وقوع انقلاب اسلامی و در فرایند سازمان‌دهی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی داخلی، لازم است به عوامل ضدانقلاب توجه داشت و عوامل اجرایی نسبت به گروهک‌ها و سازمان‌های مخالف انقلاب تازه شکل‌گرفته هوشیار باشند (باهنر، ۱۳۶۱، ص. ۶۷).

وی در مرحله سازندگی و توسعه نهادهای انقلابی، تأکید بر «بازسازی نیروی انسانی» دارد (نعمتی‌زرگان، ۱۳۸۴، ص. ۲۵۴)؛ زیرا باور دارد تمدن و فرهنگ دینی برخلاف تمدن غرب زمین، به تحول در انگیزش‌های مادی و دنیوی افراد نیاز دارد (حیدری، ۱۳۹۰، صص. ۳۸-۴۴). به عبارتی، بعد از انقلاب سیاسی و فرهنگی باید دستگاه‌های اجرایی، روابط حقوقی و اقتصادی، وضعیت صنایع و معادن، روابط اجتماعی و ... را اصلاح نمایند (قریبی، ۱۴۰۱، ص. ۸۱). در این مرحله، سازندگی باید در نهادهای مختلف مورد توجه قرار بگیرد (باهنر، ۱۳۵۹، ص. ۱۱).

در مرحله سازندگی و ایجاد حکومت اسلامی، مردم نقش کلیدی دارند؛ به گونه‌ای که در پذیرش و اصلاح ساختارها باید فعال باشند (صباحی و همکاران، ۱۳۸۱). مردم و حکومت باید

برای استقلال، آزادی و استواری نظام تازه تأسیس تلاش داشته باشد و به همین دلیل، یکی از مسائل مهم در سازندگی داخلی بعد از وقوع انقلاب سیاسی و فرهنگی، ایجاد ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مستقل است. سازماندهی ملی باید به گونه‌ای باشد که مانع وابستگی کشور انقلابی به سایر قدرت‌های جهانی شود. این رویکرد، پیوند وثیقی بین سازندگی داخلی و استقلال سیاسی را در اندیشه باهنر نشان می‌دهد: «ابتدا باید ریشه‌های وابستگی را در نهادهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی قطع کرد» (ترکچی، ۱۳۸۸، ص. ۸۲).

به اعتقاد او، باید بقایای رژیم طاغوت یا همان رژیم سیاسی پیشین را برچید و سازماندهی سیاسی و اقتصادی در داخل مرزهای سرزمینی باید مورد توجه باشد (باهنر، ۱۳۸۷، صص. ۱۴۶-۱۴۸). در موضع باهنر بر پاک‌سازی ادارات و نهادهای فرهنگی، آموزشی، نظامی و غیره تأکید شده است؛ زیرا تأکید دارد تأسیس نظام جدید بدون جایگزینی نیروهای متعهد امکان‌پذیر نیست و مرحله سازندگی داخلی ناگزیر به حذف برخی از نیروهای وابسته به رژیم گذشته و انتخاب نیروهای جدید است.

در بخشی از بیانات باهنر آمده است که اعمال هیئت پاک‌سازی باید:

صحیح و صادقانه انجام بگیرد و در واقع افرادی را بجهت بدنام نکنند و گرن،
نه تنها اثر مثبتی نخواهد داشت، بلکه مأیوس‌کننده و دارای اثر منفی خواهد
بود. این مسئله بخصوص در ارتضی هم مطرح است. در سایر وزارت‌خانه‌ها هم
به همین ترتیب است (باهنر، ب، ۱۳۶۱، ص. ۵۲).

این مرحله از مسیر تکامل انقلاب اسلامی، مربوط به مرحله تقویت پایه‌های نظام اسلامی و شکل‌گیری دولت اسلامی خواهد بود. منطق مرحله چهارم فرایند انقلاب اسلامی، بازسازی و اصلاح ساختارهای رژیم سیاسی پیشین است و تلاش، سازماندهی نهادها، ادارات و بخش‌های مختلف حکومت با توجه به آرمان‌ها و اهداف انقلابی است. سازندگی داخلی باید در تمام های حوزه‌ها مورد توجه باشد و علاوه بر ساختار سیاسی و اقتصادی، لازم است نظمات اجتماعی و فرهنگی مورد اصلاح، بازنگری و ترمیم قرار گیرند تا بتوانند بسترهای رشد انقلاب در جامعه جهانی را فراهم آوردد.

۴-۲-۵. صدور انقلاب و طرح ارزش‌های نو در عرصه جهانی

فرهنگ و ارزش‌های اسلامی قابلیت تمدن‌سازی دارند و باهنر در کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی اشاره می‌کند که دوری از فرهنگ دینی عامل فروپاشی تمدنی خواهد شد و ارزش‌های اسلامی و فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی عامل جلوگیری از سقوط نظام فکری و مدنی

می شود و می تواند پایه گذار تمدنی جدید شود (باهنر، بی تا، صص. ۲۸-۳۰) و تمدن اسلامی از دیدگاه باهنر «حلقه اتصال دنیای کهنه و نو» خواهد بود و این مسئله، رسالت تمدنی اسلام را نشان می دهد (باهنر، بی ۱۳۶۰، بخش اول؛ باهنر، ۱۳۶۲، صص. ۲۵-۲۴). رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی عاملی است که منجر به توسعه ارزش های فرهنگی اسلام به جامعه جهانی می شود. باهنر و بهشتی در کتاب نقش قیامتی انقلاب اسلامی بر این مسئله تأکید دارند که انقلاب دینی دارای هویت اصیل اسلامی است (باهنر و بهشتی، ۱۳۶۰)؛ زیرا همان طور که در کتاب سیری در عقاید و اخلاق اسلامی تأکید شده است، اسلام برای هدایت و تربیت افراد محیط معینی نیامده است بلکه برای راهنمایی همه بشریت نازل شده است (باهنر، ۱۳۸۷؛ ۱۹۲ ص.)؛ پس در این مرحله از انقلاب باید اسلام در همه جای جهان و بین تمام اقوام و ملل تبلیغ شود و مقررات و قوانین آن به زبان های مختلف برای جامعه بشری روشن گردد (قربی، ۱۴۰۱، ص. ۸۱).

باهنر در خصوص صدور انقلاب اشاره می کند:

ما در عمل، ارزش های جدید را تجربه می کنیم و هویت جدید خود را می سازیم و ملتی تازه متولد می کنیم... ما انقلابمان را باور می کنیم و آن را می سازیم و رشد می دهیم و ارزش هایش را مشخص می کنیم؛ انقلابمان را به دنیا صادر می کنیم (باهنر، اف ۱۳۸۷، ص. ۲۹۴).

او یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی را در سطح منطقه و بین الملل، صدور انقلاب می داند و به بحث، پیرامون معنا و مفهوم صدور می پردازد: «صدر انقلاب، صدور تجاوز و جنگ و به معنای گرفتن زمین های دیگران نیست» (زمزم، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۳). باهنر ترس ابرقدرت ها از انقلاب اسلامی را، در راستای صدور این انقلاب به دلیل نشاختن معیارهای آن تلقی می کند و صدور انقلاب را از نوع، صدور پیام و رسالت می داند که به زور نمی شود آن را بر فردی تحملی کرد: «صدر انقلاب به معنای صدور پیام و صدور رسالت انقلاب است، صدور ارزش هایی مانند استقلال، عدم وابستگی، خودکفایی، خصلت های انسانی پاک، ایمان، شرف، افتخار، حمایت از مستضعفان و...» (زمزم، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۳). از این رو، مراحل تکامل انقلاب اسلامی در اندیشه باهنر از تحول فکری و فرهنگی آغاز می شود و در نقطه پایانی، منحصر به مرزهای سرزمینی نمی شود بلکه رسالت جهانی خود را پیگیری می نماید تا بتواند صلح، عدالت، امنیت و تعالی جهانی را به ارمغان آورد.

جدول شماره ۱. مراحل پنج‌گانه تکامل انقلاب اسلامی از منظر محمدجواد باهنر

عنوان مرحله	ویژگی‌ها
مرحله اول: تحول روحی	خودسازی
	تعديل جاذبه‌های غیردینی
	الهام‌بخشی تاریخ اسلام در تحول جامعه برای مبارزه علیه ظلم و بیدادگری
	فرهنگ ایستادگی در برابر حکومت باطل
	نهادینه‌سازی ارزش ممتازه با جریان‌های باطل
	مبارزه با عوامل سلب آزادی و بی‌عدالتی
مرحله دوم: سرنگونی نظام سیاسی طاغوت	منازعه همه‌جانبه با طاغوت
	تلاش همگانی برای استقرار عدالت اجتماعی
	مسئولیت عمومی برای مقابله با نظام فاسد
	ریشه کن کردن فساد و بی‌عدالتی
	تلاش برای جایگزین کردن نظام اسلامی
	نقش فرهنگ اسلامی در تقویت جامعه و پاسداشت آن در روح اجتماع
مرحله سوم: انقلاب فرهنگی	سرچشم‌گرفتن تمامی فعالیت‌ها و اقدامات اقتصادی، سیاسی و نظامی از فرهنگ
	حاکم شدن ارزش‌های فرهنگی جدید نسبت به ارزش‌های رژیم سیاسی پیشین
	دوری از پیروی کورکرانه از سنت‌های نیاکان و طاغوت
	لزوم بصیرت دینی در پیروی نکردن از متفذدان ظالم
	حرکت و رشد تکامل حکومت و جامعه بر پایه فرهنگ اصیل اسلامی
	دگرگونی صحیح فرهنگی
	تغییر ساختار تعلم و تربیت
	دور شدن از عصر جاهلیت
	ایجاد فضای عمومی مبتنی بر فرهنگ اسلامی
	انقلاب در معیارهای ارزشی، در خلق و خواه، در خصلت‌ها و در اخلاقیات

۷۴

عنوان موجله	ویژگی‌ها
مرحله چهارم: سازماندهی و سازندگی داخلی	بازسازی نیروی انسانی
	اصلاح دستگاه‌های اجرایی
	اصلاح روابط حقوقی
	اصلاح نظام اقتصادی، وضعیت صنایع و معادن
	اصلاح روابط اجتماعی در داخل جامعه
	پایان ریشه‌های وابستگی در نهادهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی
	تقویت پایه‌های نظام اسلامی و شکل‌گیری دولت اسلامی
	بازنگری در ساختارهای رژیم سیاسی پیشین
	سازماندهی نهادها، ادارات و بخش‌های مختلف حکومت با توجه به آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی
	تبیین انقلاب اسلامی در همه جای جهان و بین تمام اقوام و ملل مختلف
مرحله پنجم: طرح اندیشه‌های نو در جهان	تبیین اصول و قوانین انقلاب اسلامی برای ملل مختلف
	حراست از هویت انقلاب اسلامی در جامعه جهانی و توسعه این هویت انقلابی در سایر ملت‌ها
	садر کردن ارزش‌های متعالی انقلاب اسلامی
	ترویج ارزش‌هایی مانند استقلال، عدم وابستگی، خودکفایی، خصلت‌های انسانی پاک، ایمان، شرف، افتخار، حمایت از مستضعفان و ...
	ایجاد رسالت جهانی برای شکل‌گیری صلح، عدالت، امنیت و تعالی جهانی

نتیجه‌گیری

انقلاب در جامعه دینی نه صرفاً پدیده‌ای سیاسی بلکه امری برای اصلاح وضعیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رژیم پیشین است. انقلاب در اندیشه سیاسی باهنر، نوعی سازندگی درونی است و در نظام سیاسی اسلام، انقلاب برآمده از ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی است و تلاش جامعه، استقرار نظام مطلوب مبنی بر آموزه‌های دینی است. برای تکامل انقلاب اسلامی، طی کردن مراحلی لازم است تا بتوان تمامی آرمان‌ها و اهداف انقلابی را پیاده‌سازی کرد.

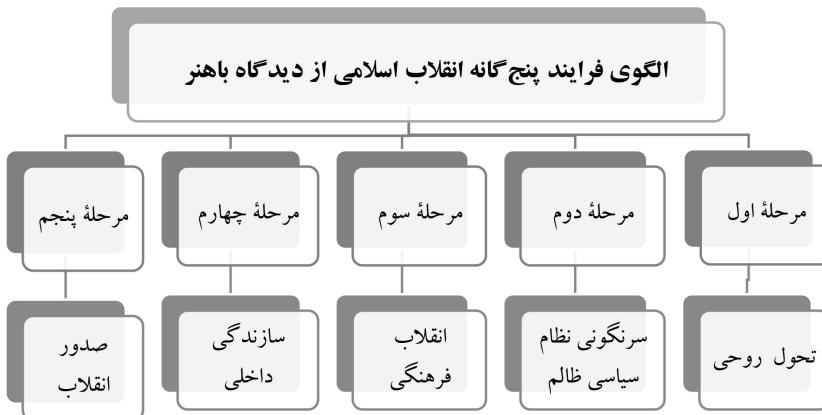
انقلاب در اندیشه باهنر یک فرایند است که با طی نمودن مراحل مختلف می‌تواند فرجام مطلوبی را ایجاد نماید. اولین گام اساسی در فرایند انقلاب اسلامی، تحول روحی و معنوی در افراد و جامعه است؛ یعنی جامعه باید پذیرای فرهنگ دینی و ارزش‌های معنوی باشد و بسترهاي لازم برای تغییر ایجاد شود. اگر باطن جامعه آماده تغییر شود، امکان دگرگونی سیاسی فراهم می‌شود. به تعبیری، آمادگی روحی جامعه لازمه تغییرات بنیادین در عرصه سیاست، فرهنگ و اجتماع خواهد بود. بعد از دگرگونی روحی در جامعه دینی و آمادگی برای تغییر، در گام دوم نیز انقلاب سیاسی یا سرنگونی رژیم سیاسی مستقر به وقوع می‌پیوندد. در این مرحله، حاکمان و کارگزاران فاسد سرنگون می‌شوند و نیروهای سیاسی جدید جایگزین آنها می‌شوند. در این مرحله، تحولات بیشتر در حوزه سیاست و کارگزاران حکومتی انجام می‌شود. البته در مرحله دوم، ممکن است مخالفت‌ها، کارشکنی‌ها و حتی منازعاتی شکل بگیرد؛ ولی جامعه برای رسیدن به اهداف آرمانی خود تلاش می‌کنند تا انحرافی از اصول و موازین مطرح در انقلاب اسلامی صورت نگیرد.

بعد از استقرار نیروهای سیاسی جدید، فضای مناسب برای انقلاب فرهنگی ایجاد می‌شود. در این مرحله که گام سوم انقلاب اسلامی در اندیشه باهنر است، تلاش هدفمند برای تغییر ارزش‌ها، اخلاقیات و باورهای جامعه انجام می‌شود و نظام سیاسی جدید تلاش می‌نماید دگرگونی اساسی در عرصه فرهنگی، تربیتی و آموزشی ایجاد نماید تا این طریق بتواند فرهنگ و ارزش‌ها، اخلاقیات و انگیزه‌های اصیل اسلامی را در جامعه نهادینه سازد. در این مرحله، فرهنگ مسموم و طاغوتی باید از جامعه و ساختارها دور شود و فرهنگ اسلامی جایگزین آن شود؛ زیرا یک نظام اسلامی برای تعالی به هویت دینی و فرهنگ متعالی برآمده از دین نیاز دارد. پس انقلاب فرهنگی مت硯د بازسازی روابط فردی و اجتماعی برای استقرار ارزش‌های الهی در اجتماع است. درونی‌سازی ارزش‌های انقلاب اسلامی به استقامت، دقت عمل، برنامه‌ریزی و تبعیت از دستوران رهبران انقلاب دارد.

بعد از تدارک و شکل‌گیری انقلاب فرهنگی، لازم است سازماندهی داخلی انجام شود و ساختارهای حکومت و ملزمات دولت اسلامی تقویت شوند و استحکام لازم برای تعالی انقلاب را فراهم نمایند. این مرحله چهارم، مربوط به توانمندی نهادی در ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. زمانی که انقلاب فرهنگی، سیاسی و حتی سازمانی در جامعه انقلابی ایجاد شد، استحکام داخلی شکل می‌گیرد و با توانمندی درونی، امکان صدور انقلاب اسلامی و طرح ارزش‌های نوین انقلاب در عرصه جهانی فراهم می‌شود. مرحله پنجم، تلاشی برای

جهانی شدن ارزش‌های دینی انقلاب است و هویت دینی جدیدی را به امت اسلامی ارائه می‌دهد. این مرحله، ناظر بر صدور ارزش‌های فرهنگی و سیاسی انقلاب به جامعه جهانی و امت اسلامی است و تلاش دارد بسترهاي توسعه معارف انقلاب اسلامی در سرمایه‌های دیگر را فراهم آورد. به یک معنا، بعد از توانمندی داخل و تحقق آرمان‌های ترسیم شده برای انقلاب اسلامی، بسترهاي الهام‌بخشی و صدور انقلاب فراهم می‌شد. این مرحله، غایت تمدنی و ارزش‌های انسانی و اسلامی انقلاب را نشان می‌دهد که مترصد ترویج ارزش‌ها والای اخلاقی و انسانی در عرصه جهانی است.

شكل شماره ۴. الگوی فرایند پنج گانه انقلاب اسلامی از دیدگاه باهنر



با توجه به فقدان آثار پژوهشی منسجم در زمینه اندیشه باهنر پیرامون مفهوم انقلاب و انقلاب اسلامی، پیشنهاد می‌شود در راستای تکمیل زوایای مختلف مقاله حاضر، در پژوهش‌های مشابه به مسائل زیر پرداخته شود:

- تحلیل محتواي «انقلاب» در مکتوبات باهنر و ترسیم الگوی مفهومی انقلاب متعالی اسلام؛
- بررسی تطبیقی نظریه فرایند تکاملی انقلاب از دیدگاه باهنر با متفکران شرقی و غربی؛
- آسیب‌شناسی انقلاب در مراحل پنج گانه تکاملی انقلاب اسلامی باهنر؛
- تبیین علل وقوع انقلاب در مواضع باهنر؛
- راهبردهای استحکام انقلاب اسلامی از منظر باهنر؛
- واکاوی مفهوم، ابزار و روش‌های انقلاب فرهنگی در منظمه فکری باهنر؛

- بررسی راهکارهای انقلاب فرهنگی در نظام آموزشی و تربیتی کشور با توجه به موضع نظری باهنر؛
- مؤلفه‌ها و شیوه‌های صدور انقلاب اسلامی در اندیشه باهنر؛
- مصادیق تحول روحی و خودسازی در جامعه انقلابی از منظر باهنر؛
- رابطه عدالت و آزادی با شکل‌گیری انقلاب در جامع بشری از منظر باهنر؛
- عوامل شتاب‌زای سرنگونی نظام سیاسی و شکل‌گیری انقلاب بر اساس افکار و بیانات باهنر.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسنده‌گان: تمام نویسنده‌گان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.
تعارض منافع: بنابر اظهار نویسنده‌گان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود ندارد.
تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده‌گان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶). مقدمه. ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابوطالبی، مهدی. (۱۳۸۶). ترمیدور. مجله معارف، ۵۳، ۲۷-۲۶.
- اسلامی، احمد. (۱۳۶۹). روند تکاملی انقلاب و استراتژی قدرت. فصلنامه دانشگاه انقلاب، ۸۲ و ۸۳، ۸-۱۷.
- اکبری، مرتضی و رضایی، فریدون (۱۳۹۴). واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری. فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۳(۵)، ۸۵-۱۰۸.

۷۸

[doi: 20.1001.1.23295599.1394.3.5.4.7](https://doi.org/10.1001.1.23295599.1394.3.5.4.7)

- باقری دولت‌آبادی، علی و موسوی، سید احمد (۱۳۹۷). مفهوم انقلاب در دیدگاه شهید سید محمد باقر صدر. فصلنامه راهبرد سیاسی، ۲(۵)، ۱۳۳-۱۶۱.

[doi: 20.1001.1.25884565.1397.2.5.6.8](https://doi.org/10.1001.1.25884565.1397.2.5.6.8)

- باهنر، محمدجواد (الف بی‌تا). انقلاب فرهنگی در آموزش و پرورش. تهران: انجام کتاب.
- باهنر، محمدجواد. (بی‌تا). فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: نشر حجت.
- باهنر، محمدجواد (۱۳۵۹). فعالیت‌های جهادسازندگی باید با سایر نهادهای انقلابی هماهنگ شود. روزنامه کیهان.
- باهنر، محمدجواد (الف بی‌تا). بایدها و نبایدهای انقلاب. قم: قدس.

..... دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال اول، شماره ۱ | بهار و تابستان ۱۴۰۲

- باهر، محمدجواد (پ). مقالاتی از دوران خفغان. قم: جامعه مدرسین حوزه.
- باهر، محمدجواد (اف). جهانی‌بینی اسلامی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- باهر، محمدجواد (پ). شهید دکتر باهر الگوی هنر مقاومت. تهران: بنیاد شهید.
- باهر، محمدجواد (ج). هدف‌های آموزش و پژوهش اسلامی. تهران: انجام کتاب.
- باهر، محمدجواد. (پ). روانشناسی و جامعه‌شناسی دانشگاه‌ها. مجله پاسدار اسلام، ۵.

<http://pasdareeslam.com/category>

- باهر، محمدجواد. (پ). روانشناسی و جامعه‌شناسی. مجله پاسدار اسلام، ۹.

<http://pasdareeslam.com/category>

- باهر، محمدجواد (۱۳۶۲). حلقه اتصال دنیای نو و کهن. مجله مکتب اسلام، ۲۳، ۲۱-۲۵.

<https://www.noormags.ir/view/fa/creator/204689>

- باهر، محمدجواد. (الف). مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی. تهران: شاهد.
- باهر، محمدجواد. (ب). انسان و خودسازی. تهران: شاهد.
- باهر، محمدجواد (ج). گذرگاه‌های الحاد. تهران: شاهد.
- باهر، محمدجواد (پ). گسترش نهضت حسینی. تهران: شاهد.
- باهر، محمدجواد (پ). مواضع ما در ولایت و رهبری. تهران: شاهد.
- باهر، محمدجواد. (ز). سیری در عقاید و اخلاق اسلامی. تهران، شاهد.
- باهر، محمدجواد (ح). دین‌شناسی تطبیقی. تهران: شاهد.
- باهر، محمدجواد (ط). گفتارهای تربیتی. تهران: شاهد.
- باهر، محمدجواد (۱۳۷۵). ویژه‌نامه شهادت رجایی و باهر. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۰۸۵.
- باهر، محمدجواد و بهشتی، سیدمحمد (۱۳۶۰). نقش قیامتی انقلاب اسلامی. قم: نشر قیام.
- بدرخانی، نسرین (۱۳۹۰). شهید باهر و ترویج مکتب اسلام. مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت حجت‌الاسلام و المسلمین شهید دکتر محمدجواد باهر. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- بریتون، کرین (۱۳۶۶). کالبدشکافی چهار انقلاب. ترجمۀ محسن ثلاثی، تهران: زریاب.
- بهرامی، قدرت‌الله (۱۳۸۵). انقلاب اسلامی و انقلاب‌های جهان. قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- بهشتی، سید محمد (۱۳۸۹). سه گونه اسلام. تهران: نشر بقעה.
- بهشتی‌حسینی، سید محمد و باهر، محمدجواد و گلزارده، علی (۱۳۸۰). شناخت اسلام. تهران: نشر بقעה.
- ترکی‌چی، فاطمه (۱۳۸۸). شهید حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد باهر به روایت استاد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۷۹

- تهوری، مسلم (۱۳۹۲). شهید دکتر باهنر معمار فرهنگی انقلاب اسلامی. *فصلنامه مطالعات تاریخی*.
<https://mtq.ir/?page=authors&id=342> ۱۹۵-۱۵۶، ۴۲
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۸۹). انقلاب از دیدگاه اسلام. تهران: پیام نور.
- حیدری، غلامحسین (۱۳۹۰). شهید باهنر و تحول بنیادین در آموزش و پژوهش. تهران: برهان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۷/۲۴). بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار دانشجویان کرمانشاه.
- رفیع، حسین و عباس‌زاده مرزبالی، مجید (۱۳۹۴). بررسی ماهیت و فراز و فرود دولت در اندیشه ابن خلدون. *فصلنامه علوم سیاسی*، ۱۱(۳۱)، ۱۵۹-۱۸۸.
- https://psq.karaj.iau.ir/article_523568.html
- زمزم، علیرضا (۱۳۸۱). انقلاب و انقلاب اسلامی از دیدگاه شهید محمدجواد باهنر. *فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی*، ۲، ۱۰۷-۱۲۸.
- زمزم، علیرضا (۱۳۹۱/۷/۲). شهید باهنر و علل وقوع انقلاب اسلامی. *روزنامه رسالت*، شماره ۷۶۴۴.
- زند، شیرین (۱۳۹۰) انسان الهی از منظر شهید باهنر. تهران: مدرسه برهان.
- شجاعیان، محمد (۱۳۸۲). انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صباحی، محمد و همکاران (۱۳۸۱). حکومت دینی از منظر شهید باهنر. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- صدر، سید رضا (۱۳۷۹). *تفسیر سوره حجرات*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- طوسي، کوثر، جمشيدی، محمدحسین و طوسي، فاطمه (۱۴۰۰). تبيين منطق درونی چرايی تحقق وقوع انقلاب اسلامی ايران در اندیشه سیاسي شهید بهشتی. *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، ۹(۱۹)، ۲۰۱-۲۰۱.
- dor: 20.1001.1.23455705.1400.9.19.7.0 ۲۲۶
- عبدالاحدی مقدم، علی اکبر (۱۳۹۱). راه مستقیم انقلاب. قم: ولاء منتظر (ع).
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۴). انقلاب اسلامی و ریشه‌های تاریخی آن. تهران: پیام نور.
- فرقانی، قدرت‌الله (۱۳۸۳). استکبارستیزی در قرآن. قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- قربی، سید محمدجواد (۱۴۰۱). فرایند تکاملی انقلاب؛ تبیین مراحل پنج گانه سیر تکامل انقلاب اسلامی. ساری: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- قربی، سید محمدجواد (۱۴۰۲). نظریه فرایندی تکامل انقلاب اسلامی؛ الگوها و ویژگی‌ها (از تکوین انقلاب تا مرحله توسعه تمدنی انقلاب). *فصلنامه دولت پژوهی جمهوری اسلامی*، ۹(۱)، ۷۳-۱۰۲.
- https://irsj.iuh.ac.ir/article_208271.html
- کتابی، محمدرضا (۱۳۸۹). انقلاب در نمایی نو؛ ارائه مدلی تحلیلی برای انقلاب اسلامی. مجله سوره اندیشه، ۴۸ و ۴۹، ۱۲۹-۱۳۶.

- گلدنستون، جک (۱۳۸۵). مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها. ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی (۱۳۹۲). درآمدی بر فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، روزنامه کیهان، ۲۰۰۳.

- مشکانی سبزواری، عباسعلی (۱۳۹۲). جایگاه امت اسلامی در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، ۹ (۳۳)، ۴۹-۶۴.

https://forougevahdat.mazaheb.ac.ir/article_7688.html

- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۴). نعمت انقلاب اسلامی. ماهنامه معرفت، ۹۸، صص ۴-۹.

- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱). جامعه و تاریخ از نگاه قرآن. قم: انتشارات امام خمینی.

<https://marifat.nashriyat.ir/node/3088>

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار شهید مطهری. تهران: صدر.

- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). آینده انقلاب اسلامی. تهران: صدر.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). یادداشت‌های شهید مطهری. تهران: صدر.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامية.

- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۴۰۱). انقلاب فرهنگی از نگاه شهید باهنر. مصاحبه با دکتر محمدجواد باهنر، مجله عربی زبان الشهید، ۶۴.

- مهاجرنیا، محسن (۱۴۰۱). نظریه فرایندی انقلاب اسلامی. قم: طلوع مهر.

- نرمانی، حسن، زارعی، غفار و روانبد، امین (۱۴۰۰). پیشان‌های تربیتی و فرهنگی جهت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی. نشریه آینده‌پژوهی ایران، ۱(۶)، ۵۷-۷۶.

doi:10.30479/JFS.2021.13973.1220

- (۸۱) - نعمتی زرگان، مرتضی (۱۳۸۴). شهید دکتر محمدجواد باهنر. تهران: مرکز استاد انقلاب اسلامی.
- نیکروش رستمی، مليحه (۱۴۰۰). زندگانی و فعالیت‌های محمدجواد باهنر؛ سومین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات تاریخی، ۷۴، ۸۸-۱۲۲.

<https://mtq.ir/?page=magazine&id=74>

- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵). سامان سیاسی در جوامع دستخوش تحول. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.

- هیوود، اندره (۱۳۸۴). مقدمه نظریه سیاسی. ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر قومس.

- Brinton, Crane. (1965). *The anatomy of revolution*, New York: Vintage Books.

- Chengte, Pralhad V. (2016). The Concept of Revolution, *International Journal of Political Science*, Vol. 2, No. 4, 34-41.

.....

- Coccia, Mario. (2019). Theories of Revolution. In book: *Global Encyclopedia of Public Administration, Public Policy, and Governance*, Springer Nature Switzerland AG.
- Gebil, Alazar. (1990). *Causes of Political Revolution*, Masters Theses, By: The Student Theses & Publications, Eastern Illinois University.
- Gottschalk, Louis. (1944). Causes of Revolution. *American Journal of Sociology*, Vol. 50, No. 1, 1-8.
- Tanter, Raymond & Manus Midlarsky. (1967). A Theory of Revolution, *The Journal of Conflict Resolution*, Vol. 11, No. 3, 264-280.
- Taylor, Stan. (1987). *Social Science and revolution*, New York: St. Martins press.
- Vahabi, Mehrdad, Batifoulier, Philippe and Nicolas DaSilva (2020). The Political Economy of Revolution and Institutional Change: the Elite and Mass Revolutions. *Dans Revue d'économie politique*, Vol.130, 855-889.
- Yeniçirak, Hasan. (2020). On Revolution: What is Revolution? What are the Differences that Distinguish Revolution from Other Forms of Political Violent?, *Van YYU The Journal of Social Sciences Institute*, Issue 50, 329-342.
- Yoder, Dale. (1926). Current Definitions of Revolution, *American Journal of Sociology*, Volume. 32, Number. 3.